

روابط ساواک با کشورهای همسایه ایران

۲۸ فروردین ۱۴۰۲ ساعت ۱۶:۲۸

اسناد تبادل حکایت از ارزشمند بودن این همکاریها در حوزه خلیج فارس برای ساواک می باشد و علیرغم ارتباط ساواک بارها سرویس های مطرحی همچون سیا و موساد، اما اسناد MI-۶ از اهمیت ویژه ای برخوردار بود. درخواست اداره بررسی اداره کل هفتم به مدیریت آن سازمان گویای این مطلب می باشد.

افغانستان

از بین ۱۸۰ نفر از فارغ التحصیلان دبیرستانهای افغانستان که به منظور آموزش فنی خلبانی در نظر گرفته شده بودند ۵۹ نفر در آزمایشات قبول شدند. قرار است این عده از تاریخ ۲/۱/۲۵۳۶ در دانشکده افسری آموزشهای مقدماتی را طی نموده و سپس به شوری اعزام گردند. بنابراین واضح شد که شوری یکی تاز میدان افغانستان است... و روشن بود که آمریکایی ها دست روسها را در افغانستان بازگذاشته اند تا در ازای آن ایران را حفظ کنند. برکناری ظاهرشاه توسط محمود داود که رابطه حسنه ای با شاه داشت باعث نگرانی رژیم پهلوی شد و به مقابله با او برآمد. اما کودتا علیه داود توسط احزاب کمونیستی در افغانستان بر نگرانی رژیم پهلوی افزود و تباری و توافق سازمان سیا و کا.گب برای روی کار آمدن احزاب کمونیستی نیز توسط رابط MI-۶ تأیید و به اطلاع ساواک رسید: نماینده سرویس انگلستان در کویت در تاریخ ۱۰ مه ۱۹۷۸ (۲۰/۲/۲۵۳۷) با عبدالستار شالیزی (معاون سابق نخست وزیر و وزیر کشور افغانستان در زمان سلطنت محمد ظاهرشاه) در یک میهمانی در کویت ملاقات نمود. در این ملاقات شالیزی اظهار داشت مدارک مثبتی دارد که شوری در کودتای اخیر افغانستان دست داشته و در طرح ریزی آن شرکت نموده است. نامبرده ضمناً ادعا کرد «سیا» احتمالاً قبل از شروع کودتا در جریان آن اطلاع داشته و در برابر گرفتن امتیازاتی در مناطق دیگر دنیا از شوری در این مورد سکوت اختیار نمود. سندی دیگر جزئیات کودتا را بیان می کند.

ایران در زمان رژیم پهلوی مسائل دیگری نیز در افغانستان داشت از جمله می توان به دخالت درباریان در قاچاق مواد مخدر و ترانزیت آن از طریق ایران به اروپا، بلوچ های افغانی و ارتباط آنان با بلوچهای پاکستان و ایران، رود هیرمند و مسئله تقسیم آب آن اشاره نمود.

پاکستان

روابط ساواک با سرویس پاکستان بسیار خوب بود و نیازی به کارهای اطلاعاتی عمیق نبود و هر آنچه لازم داشت از آنها می گرفت و از طریق پیمان سنتو نیز کارهای مشترکی انجام می گرفت که اینتلیجنت سرویس نیز در آن دخالت داشت. تنها مسئله مهم راجع به پاکستان بلوچ های تجزیه طلبی بودند که توسط دشمنان ایران از جمله عراق تقویت و سازماندهی می شدند و ساواک در

این زمینه با MI-6 مبادلاتی داشت و سعی می کرد از توان اطلاعاتی آنان در عراق برای جمع آوری روی این گروه استفاده نماید. پاکستان از منظر دیگر نیز مورد توجه ایران و بریتانیا بود و آن حایل بودن این کشور بین ایران و شبه قاره هند بود. هندوستان با افغانستان و شوروی رابطه حسنه داشت و همچنین اختلافات سیاسی و ارضی پاکستان با هندوستان و بنگلادش باعث شده بود دو سرویس چتر اطلاعاتی خود را در منطقه فعال نموده و راجع به هندوستان و بنگلادش نیز تبادل اطلاعات داشته باشند.

عراق

کشور عراق نیز به دلایل گوناگون برای رژیم پهلوی مهم بود و انگلستان نیز در زمانی در آنجا حکومت های دست نشانده داشت اما پس از کودتای سرتیپ عبدالکریم قاسم و سقوط رژیم سلطنتی آن کشور به بلوک شرق و شوروی گرایشی یافت و پس از شوروی و افغانستان، سومین کشور با گرایش به بلوک شرق در عراق رأس حکومت قرار گرفت. این اتفاق باعث تشدید اختلافات ایران و عراق گردید و اختلافات ارضی گذشته مزید علت بود. لذا روابط دو کشور تیره شد و رقابت برای فعالیت یکدیگر شروع و گروه های مخالف تقویت شدند و در این میان بلوک غرب نیز کودتای قاسم را پیشرفت مواضع شوروی در منطقه تلقی نمود و با توسعه فعالیت کمونیست ها در عراق ثبات منطقه به نفع غرب را به خطر انداخت. لذا آمریکا و انگلیس به تقویت رژیم محمدرضا و رژیم اردن دست زدند ولی همزمان نیز تلاش هایی صورت گرفت تا با نفوذ در ارتش عراق به تدریج نیروهای متمایل به شوروی و ناسیونالیست ها پس زده شوند. بدین ترتیب، قدم به قدم راه برای صعود صدام حسین هموار شد. موضوعی که کشورهای منطقه را بیش از چهار دهه به خود مشغول کرد و موجب چندین جنگ ویرانگر شد، در این بین بررسی رژیم پهلوی جمع آوری اطلاعات از کشور حریف یعنی عراق دارای اولویت بود و از چندین کانال با معاهدات دوجانبه و چند جانبه اطلاعاتی برای نیل به مقصود تلاش نمود. اینتلیجنس سرویس و سابقه حضور آن در عراق نیز از نکات مثبت همکاری با ساواک در موضوع عراق بود، لذا دو سرویس در زمینه جمع آوری اطلاعات از آن کشور نیز همکاری داشتند. حضور گروه های فلسطینی که گاهاً در کشورهای غربی از جمله اروپا نیز عملیات می نمودند و استقرار رهبر نهضت اسلامی بعد از قیام ۱۵ خرداد امام خمینی(ره) در عراق و وجود حوزه های بزرگ و با اهمیت شیعیان در نجف بر اولویت همکاری آنها می افزود.

اختلافات ارضی عراق با ایران و کویت و دست درازی آن کشور به مناطق جنوبی حوزه خلیج فارس و راه اندازی گروه های مختلف برای بهره برداری از اقدامات آنان در مقابله با ایران باعث تشدید اختلافات و به تبع اهمیت موضوع بود. انگلستان هم که در این حوزه دارای منافع سرشاری به ویژه در حوزه های نفتی داشت را تحریک می نمود که هر چه بیشتر در منطقه مورد نظر حضور اطلاعاتی و یا نظامی داشته باشد تا تهدیدها را به حداقل برسانند. همانطور که پیش از این ذکر شد مقابله با حضور نظامی شوروی از اولویت خاصی برای بلوک غرب و کشورهای هم پیمان آن از جمله ایران بود. از قسمتی از اقدامات اطلاعاتی جمع آوری سرویس ها از توانمندیهای نظامی عراق بود: در تاریخ ۲۸/۲/۱۳۵۶ سی نفر از افسران نیروی دریایی و لشکر ۵ ارتش عراق برای دیدن یک دوره سه ماهه آموزشی به شوروی اعزام گردیدند. در سندی دیگر صحبت از حمل یک کشتی تجهیزات نظامی از شوروی به عراق می باشد: یک کشتی روسی وارد ام القصر شده و محمولات خود را تخلیه نمود.

عراق در این زمان، قراردادهای گوناگونی با کشورهای بلوک شرق از جمله لهستان و چکسلواکی منعقد نمود و مقامات نظامی شان از کشورهای یکدیگر بازدید می کردند. عراق رابط نزدیکی با کشورهای اقمار بلوک شرق در منطقه از جمله با یمن جنوبی داشت و دنبال تقویت سیاسی و نظامی آنها بود و برای برتری نظامی شان در مقابل سعودی و یمن شمالی تلاش کرده و کمک نظامی

این اقدام عراق عکس العمل کشورهای رقیب را به دنبال داشت. آنچه اقدامات عراق را برای ایران و انگلستان حساس می نمود کمک به سازمانهای جدایی طلب و یا گروهها و سازمانهای مختلفی که در مخالفت با رژیم های کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس شکل گرفته بود. عراق به این سازمانها در کشورش پایگاه داده و به سازماندهی و آموزش آنها می پرداخت، از جمله این اقدامات تأسیس پایگاهی در منطقه زبیر (جنوب عراق) برای جبهه چپ گرای بحرین (NLF) و جبهه ملی بحرین (PLFO) بود. از جمله مهمترین موضوعات مورد توجه ایران و اسرائیل مسئله اتمی شدن عراق در منطقه بود. دو سرویس انگلستان و ایران برای فعالیتهای عراق در این زمینه اهمیت قائل شده و به شدت در این رابطه به جمع آوری اطلاعات پرداختند. عراق از طریق شوروی و فرانسه قصد احداث نیروگاه هسته ای برای تولید برق را داشت اما با توجه به ماهیت این رژیم و اهداف توسعه طلبانه اش، همسایگان آن کشور از جمله ایران نگران دستیابی آن رژیم به سلاح اتمی بودند. موضوع اخیر از طرف اسرائیل نیز با حساسیت دنبال شد تا نهایتاً به بمباران و انهدام مراکز هسته ای عراق توسط هواپیماهای اسرائیلی در سال ۱۹۸۱ انجامید. اینتلیجنت سرویس و ساواک در عراق اهدافی داشتند که برنامه های اطلاعاتی شان را عملیاتی می کردند. از جمله اینتلیجنت سرویس از طریق ایران به عراق موشک و سلاح حمل می کرد و در مرز به کردها تحویل می داد. از علایق دیگر در عراق بحث اکراد بود که برای ایران از اهمیت بسزایی برخوردار بود و در مقاطع مختلف سیاستهای خاصی را دنبال می کردند و در اوج اختلافات سیاسی ایران و عراق، اکراد عراقی وسیله ای بر تضعیف آن رژیم توسط ایران گردید و ساواک و نیروهای امنیتی آن به تقویت اکراد بارزانی و رهبر آنان ملامصطفی پرداخت. روابط دو سرویس در قبال بحرین و جزایر ابوموسی و تنب نشأت گرفته از مذاکرات سیاسی فیما بین وزارت خانه های خارجه دو کشور بود و آن مذاکرات مبنای ارتباطات بود که نهایتاً به چشم پوشی رژیم پهلوی از بحرین منجر شد.

کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس (قطر کویت بحرین امارات عمان)

در طول قرون گذشته خلیج فارس و حاشیه جنوبی آن به دلایل گوناگون مورد توجه قدرتهای جهانی و منطقه ای بوده است. کشورهای اروپایی از جمله پرتغال، اسپانیا و بریتانیا از قرون گذشته در مناطق مختلف خلیج فارس دارای پایگاه بودند و از این پایگاهها کشتی های تجاری شان را محافظت نموده و به اهداف استعماری خود جامه عمل می پوشاندند. قبل از خروج نیروهای انگلیسی از منطقه در سال ۱۹۷۱ ترتیبات امنیتی لازم بین این رژیم ها و انگلستان داده شد و آمریکا نیز دنبال تجهیز ایران برای کنترل منطقه و به قول مشهور قصد دادن مقام ژاندارمی منطقه به محمدرضا پهلوی بود. لذا انگلستان، آمریکا و ایران دنبال کنترل منطقه بود تا کشورهای مخالفشان از جمله شوروی و احیاناً بعضی از کشورهای اروپایی از جمله فرانسه و آلمان موقعیت برتر را به دست نیاورند. به همین دلیل قبل از خروج انگلستان از خلیج فارس تمهیدات لازم دیده شد. از جمله این کارها تجهیز و تقویت کشورهای جدیدالتأسیس منطقه و از طرفی امضای پیمان های دوجانبه و چند جانبه بین این کشورها با یکدیگر و یا کشورهای غربی از جمله بریتانیا برآمدند.

در زمینه اطلاعات نیز ایران و انگلستان قبل از خروج نیروهای بریتانیایی از این حوزه به هماهنگی های لازم اقدام نمودند که مهم ترین آن تبادل اطلاعات برای کنترل منطقه بود و از توانمندیهای دیگر در این حوزه نیز استفاده کردند.

مهم ترین اقدامات ساواک و اینتلیجنت سرویس برای جمع آوری اطلاعات حول محورهای ذیل بود:

۱ کنترل رژیم های وابسته به بلوک شرق و عناصر اطلاعاتی و نظامی آنان در کشورهای قطر عراق جمهوری دموکراتیک خلق یمن

کویت عمان امارات بحرین و...

۲ کنترل مقامات سیاسی و اطلاعاتی شوروی

۳ کنترل گروه‌هایی با گرایش چپی و برانداز

۴ ارتباطات سیاسی، اقتصادی و نظامی کشورهای منطقه با سایر دول

۵ کنترل مخالفان ایرانی رژیم پهلوی

اسناد تبادل، حکایت از ارزشمند بودن این همکاریها در حوزه خلیج فارس برای ساواک می باشد و علیرغم ارتباط ساواک با سرویس های مطرحی همچون سیا و موساد، اما اسناد MI-۶ از اهمیت ویژه ای برخوردار بود. درخواست اداره بررسی اداره کل هفتم به مدیریت آن سازمان گویای این مطلب می باشد.

از بین سرویس های خارجی، سرویس انگلستان در گذشته اطلاعات جالب و مفیدی درباره امارات خلیج فارس ارسال می داشت، اما بیش از یک سال است این گزارشات به حداقل رسیده به طوری که پس از ماهها اخیراً (اواخر آبانماه) گزارشی از وقایع امارات متحده عربی در شهریور و مهر ۲۵۳۶ اصل شده است که حاوی مطالب آشکار می باشد... در ادامه سند کارشناس موضوع خواهان فعال نمودن منبع موردنظر بوده است.

شناسایی و کنترل سازمانهای برانداز در خلیج فارس از جمله جبهه آزادیبخش خلق خلیج عربی، جبهه آزادیبخش دموکراتیک ملی عمان و خلیج عربی، جنبش ناسیونالیست های عرب، دفتر سیاسی جنبش انقلابی خلق در عمان، جنبش انقلابی خلق، حزب کار عربی، حزب بعث، جبهه آزادیبخش ملی.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/49147/روابط-ساواک-و-ایران-همسایه-کشورهای-ساواک-روابط/49147>